

آشنایی با ایل قشقایی

ایل قشقایی یکی از ایلات مهم ترک زبان ایران است: مرکز اصلی این ایل فارس است. قشقایی ها در دوره های مختلف بتدریج به این سرزمین کوچیده و در آن ساکن شده اند. حاج میرزا حسن فسایی در کتاب فارسنامه ناصری مینویسد: قشقایی ها طایفه ای از ترکان خلج بوده اند که از عراق عجم و ساوه به فارس کوچیده اند. قسمتی از این مهاجران در بلوک قونقری (شهرستان آباده) ساکن و ده نشین شده اند که هنوز هم به ترکی سخن میگویند و بنام خلج نامیده میشوند. گروهی دیگر به زندگی کوچنشینی ادامه میدهند و به دو بخش خلج و قشقایی تقسیم میشوند. چون مهاجرت اینان به فارس حالت گریز و فرار داشته است، به (قاج قایی) به معنی گریخته و فراری معروف شده اند. بعدها این واژه به قاش قایی و قشقایی تبدیل میشود برخی عقیده دارند که قشقایی از قشقه به معنی چال و علامت سفیدی نقش شده است که بر روی پیشانی اسبان آنان وجود داشته است و نشانه قبیله آنان بوده است.

پاره ای از مورخان مسکن اصلی ایل قشقایی را آذربایجان و تبریز میدانند ترانه های فولکوریک قشقایی ها هم این نظرا تایید میکند.

بویول گده تبریزه - قنات ریزه ریزه
این راه به تبریز میرو و قناتش ریز ریز است
تارم تارم بیزه یول ور بیزو اراگ و لکمره
خدای من راهی به ما نشان ده تا به سرزمینمان برویم
روی آن کوه سبز بوردم را دیدم
ای کوه سبز تو را یاد میکنم و میگیرم(1)

تمام قشقایها شیعة جعفری هستند و به آداب و رسوم خود علاقه مندند. شاید بیش از پنج درصد آنان نماز نخوانند. یا اصلاً نماز را ندانند ولی به عرف و عادات خود سخت معتقدند. زبان قشقایها ترکی آمیخته به فارسی است و همه آنها فارسی را خوب می دانند و به آن و به آسانی سخن می گویند.(2)

تاریخ و ایل قشقایی :

ایل قشقایی، یکی از بزرگترین ایلات ایران در همسایگی ایلات خمسه در استان فارس سکونت دارند سواحل جنوبی استان به شکل حاشیه ای به طول حدود 250 کیلومتر و عرض 30 تا بیش از 50 کیلومتر قلمرو گرمسیری (قشلاق) آنهاست قلمرو سردسیری (بیلاق) بیشتر در شمال استان و از نظر وسعت به مراتب کوچکتر از قلمرو گرمسیری و در حدود نصف آن است مناطق سردسیری بر خلاف قلمرو گرمسیری که همه یکپارچه و به هم متصل میباشند بیشتر پراکنده اند.
در محدوده فوق قشقایی ها و سکنه ایلات خمسه سکونت دارند. (3)

افرادی که در تاریخ ایل قشقایی مطالعاتی داشته اند نوشته اند که ایل قشقایی قبل از دوره صفویه از قفقازیه شمال ایران کنثنی نقل مکان دادند و سپس در زمان شاه عباس (1038_998) آنها را به فارس کوچاندند، هر چند که طایفه فارسی مدان قبل از قشقایی ها در منطقه اقامت داشته اند و نامی از آنها برده شده (4).

در کتاب باورد تا ابیورد به نقل از مجمع تواریخ آورده شده است که: جد بزرگ قشقایی ها را امیر(قاضی شاه لو قشقایی) میدانند و میگویند که نامبرده جمعی از ترکان قشقایی را بدور خود جمع

نموده بر آنها ریاست میکرد ، فرزند زاده امیر قاضی به نام (جانی آقا قشقایی) بوده که از صاحب منسیان دربار شاه عباس محسوب میگردد . (5)

و (پیمان) در مطالعات خود درباره قشقایی ها آورده است : در زمان سلطان محمد غزنوی در سال 396 (ه ق) گروهی از ایلات خلج در خراسان و حوالی مرو ساکن بوده اند ، بعدها به علت بد رفتاری لشکریان محمود گروهی از ترکان (از جمله خلجها) به کرمان میروند و از آنجا به سبب تعقیب ماموران سلطان محمود به اصفهان و از آنجا به آذر بایجان میروند ، پس از آذربایجان به عراق آمده و به همراه عراقیها (ترکان ساکن در این نواحی که مستقیماً آمده بودند) اغلب اضطراراً به دامنه های جنوبی سلسله جبال زاگرس کوچ میکنند بدین ترتیب میتوان گفت اولین رسته های ترکان جنوب عراقیها و خلجها هستند که حدود یک هزار سال پیش از چیهون گذشته وارد ایران شدند و پس از نقل مکان و مهاجرت های متعدد به فارس آمدند و ایلات قشقایی ترک زبان را تشکیل دادند (6)

و نگارنده فارسنامه ناصری منشأ طایفه اینانلو ها را که گروهی از آنان قشقایی هستند و بیشتر آن از خمسه های فارس هستند را از ترکستان میداند که با مغل به ایران آمدند . (7)

اما آنچه مسلم و میرهن است تیره های مختلف قشقایی به یکباره وارد فارس نشدند و بلکه دسته های مختلف آن به تدریج مهاجرت کرده اند و به هم پیوسته اند و نیرومند شده اند . (8)

در فارسنامه ناصری آمده است که در سال 1234 برای اولین بار قشقایی ها دارای ایلخان شدند و پیش از این ایل بیگی مرسوم بود (9) و اولین ایلخان همان جانی خان بود که بعدها فرزندش دختر والی فارس را به عقد خود در آورد (10)

کریستوفر ساکس در کتاب خود آورده است که انگلیسی ها رسماً از قوام الملک والی فارس خواستند که ایلخان قشقایی را تعویض نماید (11)

سردار عشایر قشقایی با روی کار آمدن رضا خان به نمایندگی شورای ملی رسید و به سال 1311 خورشیدی به همراه پسرش به زندان افکنده شد و به سال 1312 خورشیدی در زندان کشته شد (12) فارس و جنگ بین الملل جلد 2 ص 38

مورخان و سیاحانی که به دیدار این ایل آمده اند مطالبی در مورد این ایل نوشته اند که در مواردی اشتباه نموده اند ،

عبد... شهبازی مورخ در مورد قسمتهایی از کتاب :

پیپر ابرلینگ، کوچ نشینان قشقایی فارس، ترجمه فرهاد طیبی پور، تهران: شیرازه، چاپ اول، 1383،

The Hague: Mouton, ,Fars The Qashqai Nomads of ,Pierre Oberling) (1974

میگوید: "متن انگلیسی کتاب فوق را در سال 1354 خوانده و در همان زمان فصل حوادث پس از جنگ جهانی دوم آن را به عنوان کار دانشجویی ترجمه کردم. کتاب غیردقیقی است و منابع آن به طور عمدی مصاحبه با برخی شخصیت های ایل قشقایی است که به اغراق گویی و عدم دقت و تعصبات خانوادگی شهره اند. با وجودی که ظاهراً مترجم محترم خود قشقایی است (بر اساس نام ایشان حدس می زنم) ولی بی هیچ توضیح در زیرنویس برخی نوشته های غلط ابرلینگ را به فارسی برگردانده است. تصور می کنم در این گونه موارد باید توضیحی با امضای مترجم یا ناشر ترجمه فارسی در زیرنویس بر کتاب افزوده می شد. مثلاً، ابرلینگ نام طایفه «قره چي» را «قره چاهي» نوشته و معنی آن را «چاه تاریک». (ص 285) در زبان ترکی، «چي» به معنی «رودخانه» است و «قره» به معنی «سیاه». بارتولد واژه های «آق» (سفید) و «قره» (سیاه) در ترکی قدیم را نوعی تأکید بر بزرگی و اهمیت می داند و تصور من نیز همین است. بنابراین، مثلاً، «قره چي» در واقع به معنی «رودخانه بزرگ» است نه «رودخانه سیاه». همین طور است نام های «قره قویونلو» و «آق قویونلو» که در واقع به معنی «صاحبان گوسفندان بسیار» است نه «صاحبان گوسفندان سیاه» یا «صاحبان گوسفندان سفید». (متأسفانه کتاب های بارتولد در دسترس نیست که ارجاع بدهم.)

ابرلینگ اسامی طوایف قشقایی را به شرح زیر بیان کرده است: عمله، دره شوری، فارسیمدان، کشکولی بزرگ، شش بلوکی، کشکولی کوچک، قره چاهي [قره چي]، صفی خانی، نمدي.

طوایف کشکولی بزرگ و کوچک و قره چي یکی هستند و ایل کشکولی نام دارند. طوایف کوچک و کم‌شمار صفی خانی و نمدي امروزه جزو ایل عمله هستند. ابرلینگ اشاره نکرده که ایل عمله، به معنای یکی از ایلات پنجگانه قشقایی، اتحادیه‌ای است از طوایف متعدد کوچک که در سال‌های پس از شهریور 1320 و دوران اقتدار ناصر خان و خسرو خان قشقایی منسجم شد و اطلاق نام «عمله» بر این طوایف رسمیت یافت. تا پیش از این زمان، بزرگ-ایل قشقایی مشتمل بر ایلات پرشمار کشکولی، دره‌شوری، شش‌بلوکی و فارسیمدان بود و قریب به چهل طایفه کوچک. رساله خطی منتشرنشده‌ای در دست است با عنوان «شرح حال ایلات قشقایی» که به دوران حکومت اکبر میرزا صارم الدوله بر فارس تعلق دارد و برای او نوشته شده؛ یعنی قدمت آن به اواخر دوره احمد شاه می‌رسد. در این رساله، به نقل از حمزه خان و پسرش میرزا عبدالله خان کشکولی (مرحوم مهندس عبدالله کشکولی، متوفی بهار 1378)، اسامی و تعداد افراد 43 طایفه قشقایی و نام کلانتر هر طایفه ذکر شده است. طایفه عمله یکی از این 43 طایفه است و طوایفی که پس از شهریور 1320 جزو ایل عمله به‌شمار می‌رفتند، و این عنوان امروزه رایج شده است، به عنوان طوایف مستقل ذکر شده‌اند. در رساله فوق درباره ایل عمله چنین آمده است: «نوکران ایلخانی، در تحت نظر خودشان، قشلاق خنج و افرز، ییلاق سمیرم.» در جای دیگر شمار طوایف قشقایی در زمان حکومت فرمانفرما، یعنی سال‌های جنگ اول جهانی، ذکر شده و چنین آمده است: «طایفه عمله و نوکریاب که متعلق به خوانین است، خانوار یک‌هزار و هفتصد، سوار چهارصد، تفنگچی ششصد نفر.» طبق رساله فوق، در گذشته دور ایل قشقایی مشتمل بر 63 طایفه کوچک بوده که اسامی آنها نیز ذکر شده است.

مطالب رساله فوق مؤید نظر اینجانب در کتاب مقدمه‌ای بر شناخت ایلات و عشایر (تهران: نشر نی، 1369) است که قشقایی را اتحادیه‌ای از ایلات و طوایف ترک زبان تعریف کرده بودم که بر اساس اقتدار خوانین به تدریج انسجام یافته است. طوایف کوچک در طوایف بزرگ مستحیل شدند و این فرایند به تشکیل چهار ایل بزرگ فارسیمدان، دره شوری، کشکولی و شش‌بلوکی انجامید. در دوران اقتدار صولت‌الدوله، که رؤسای برخی از این ایلات، مانند محمدعلی خان کشکولی، بسیار مقتدر و ثروتمند بودند و از او تمکین نمی‌کردند، تلاش برای جذب طوایف کوچک به ایل عمله و پرتوان کردن بازوی نظامی ایلخانی آغاز شد. در سال‌های پس از شهریور 1320 نیز، که ناصر خان و خسرو خان قشقایی، برای مانور در مقابل حکومت مرکزی به نیروی نظامی پرشمار نیاز داشتند، فرایند جذب طوایف کوچک به ایل عمله تداوم یافت و در نتیجه ساختار ایل قشقایی به پنج ایل بزرگ (عمله، فارسیمدان، دره شوری، شش‌بلوکی و کشکولی) تقسیم شد.

ابرلینگ مدعی است که به سران ایل قشقایی لقب «ایلخانی مملکت فارس» اعطا شده بود (ص 16). این نیز اشتباه است. رؤسای ایل قشقایی بسته به نوع حکمی که از حکمران وقت فارس دریافت می‌کردند ایلخان تمامی قشقایی، در مواردی ایلخان برخی از ایلات قشقایی و در مواردی ایلخان ایل قشقایی و ایل دیگر بودند. مثلاً، در سال 1310 ق.، یعنی در اواخر حکومت ناصرالدین‌شاه، حاجی نصرالله خان قشقایی از سوی رکن‌الدوله (حاکم فارس) به عنوان ایلخان ایلات قشقایی و عرب منصوب شد و با این سمت به جنگ با شورشیان ایلات بهارلو و عرب رفت. ولی در دوران متأخر قاجاریه سران ایلات کشکولی (محمدعلی خان و حیدرعلی خان) و دره شوری (ایاز کیخا) مستقل از صولت‌الدوله (ایلخان) بودند و مستقیماً از حکمران فارس حکم می‌گرفتند. در فارس ایلات و طوایف متعدد غیر ترک زندگی می‌کردند و «ایلخان قشقایی» رئیس ایلات و طوایف غیر ترک ساکن فارس نبود هر چند در مواردی، بسته به نظر حکومت، دامنه اقتدار او سایر ایلات را نیز در برمی‌گرفت. مثلاً، ایلات لر

ممسنی و کهگیلویه، طوایف کوه‌نشین کوهمره سُرخي و جروق، و ایلات خمسه به‌طور سنتی تابع ایل قشقایی نبودند و رؤسای آن‌ها مستقیماً از سوی حکومت فارس منصوب می‌شدند. ولی در سال‌های پس از شهریور 1320 ناصر خان و خسرو خان قشقایی داعیه ریاست تمامی ایلات و طوایف فارس، و در واقع حکومت بر کل منطقه فارس، را داشتند؛ به این دلیل در نزاع با عشایر غیر قشقایی قرار گرفتند و کار به جایی کشید که در 5 شهریور 1325 محمد خان زرغامی، رئیس ایل باصری، را در شهر شیراز دستگیر و مدتی او را زندانی کردند" (13)

نگاهی به طوایف ایل قشقایی:

طایفه دره شوری:

نام درشوری از نام محل ییلاقی آنها (دره شور) گرفته شده است اینان پس از ورود به فارس در این ناحیه سکونت کرده اند دره شور از محل (سمیرم) امروزه جز مراکز ییلاقی این طایفه است .

خانهای طایفه دره شوری در سالهای اخیر به زراعت و باغداری توجه زیادی کرده اند .

و گروههای زیادی از آنها به زندگی یکجا نشینی پرداخته اند . طایفه دره شری یکی از طوایف پر جمعیت ایل قشقایی است و مردم آن به داشتن و پرورش اسب معروفیت دارند .(14)

طایفه فارسی مدان:

طایفه فارسی مدان از قدیمیترین طوایف ایل قشقایی است که قبل از دیگر طوایف ترک زبان به فارس آمده اند و چون فارسی نمیدانستند ، واژه (فارسی مدان) به آنها اطلاق گردیده است . طایفه فارسی مدان سابقاً (در) پادنا ییلاق و در اطراف کوه گیسگان قشلاق میکردند _ بعد اراضی سرمشهد و سپس منطقه (دابین) به آن اضافه شد . امروزه گروههایی از طایفه فارسی مدان در حوالی اراک (عراق) و تهران زندگی میکنند و پاره ای از آنها هنوز به عراق معروفند . به نظر میرسد بعدها به فارس کوچیده اند . فارسی مدانها به علت قدرت مرکزی و نفوذ و اعتبار و مدیریت کلانتران خود ، با وجود رقابتهای و اختلافات خویشاوندی کمتر دستخوش تجزیه و جدایی قرار گرفته اند .(15)

طایفه کشکولی بزرگ:

طایفه کشکولی در گذشته از سه تیره تشکیل میشد که به همراه سایر تیره های قشقایی ییلاق _ قشلاق میکردند . ییلاق آنها قسمتی از شمال سمیرم و (دیز جان) بوده است زمستان را به مناطق جنوبی فیروزآباد کوچ می کردند بعدها قشلاق آنها به ماهور میلانی تغییر کرد .

دره شورپها هم این منطقه را که دارای مراتع وسیع و چراگاههای مناسبی برای دامهاست ، قشلاق خود قرار میدهند . کمی بعد از جانب کلانتر طایفه محل ییلاقی آنها به همای جان و کمهر که از لرهای ممسنی خریداری میشود تغییر میکنند(16)

طایفه کشکولی کوچک:

این طایفه قبلاً تیره ای بود بنام اخیلو که بعدها تیره های دیگری از جمله تیره کرمانی به او اضافه میگردد و گسترش پیدا میکند و ابتدا بنام کشکولی کرمانی و بعد تحت عنوان کشکولی کوچک نامیده میشود . این نامگذاری بخاطر آن است که سران طایفه های کشکولی بزرگ و کوچک و قراچه ای همه از یک خانواده بودند که تجزیه میشوند و رئیس طایفه کشکولی کرمانی به هنگام آمارگیری طوایف برای اخذ مالیات نام طایفه خود را کشکولی کوچک معرفی میکند. (17)

طایفه شش بلوکی :

شش بلوکیها اغلب از تیره های بسیار قدیمی و از همان ترکان عراقی یعنی مهاجران اولیه هستند . این طایفه از پرجمعیت ترین طوایف قشقایی است که در پرورش و نگهداری دام مهارت فراوان دارند .(18)

طایفه عمله :

جز نیروی محافظ خان و عوامل اجرایی و اداری او به شمار میروند و مستقیماً تحت نظر خان اداره میشود . تیره های مختلف طایفه عمله تحت سرپرستی

کدخدایی است که مستقیماً از خان دستور میگیرد . با وجود این پاره ای از تیره های بزرگ تحت سرپرستی کلانترها هستند که پایگاه آنها از کلانترهای سایر تیره ها پایینتر نیست (19)

از طایفه های مختلف ایل قشقایی حدود 40 درصد همچنان بطور کوچ نشینی و نیمه کوچ نشینی زندگی میکنند و بقیه اسکان یافته اند . از تعداد و ترکیب دقیق جمعیت ایل قشقایی اطلاعات مستند و دقیقی در دست نیست ، مشکلی که در برآورد جمعیت این ایل وجود دارد همان است که درباره کل جمعیت عشایری ایران وجود دارد . زیرا اغلب آمارگیریها بر اساس معیارهای متعددی صورت گرفته است و نمیتوان آن را پذیرفت و مورد مقایسه قرار داد تا نوسانات و تغییراتی که در ساخت اجتماعی ایل قشقایی پدید آمده مورد بررسی قرار داده شود . (20)

تیره ها در ایل قشقایی

همانگونه که پیشتر آوردیم هر طایفه ای دارای تعدادی تیره می باشد (21) :

تعداد تیره	طایفه
51 تیره	دره شوری
25 تیره	فارسی مدان:
47 تیره	کشکولی بزرگ
14 تیره	کشکولی کوچک
20 تیره	شش بلوکی
47 تیره	عمله

اساس نامگذاری تیره ها:

1) بر اساس نامیا فامیل یا بزرگتر ها یا کدخدایان مثل قاسم لو از نام قاسم و بهمن بیگلو از نام بهمن .
 2) بر اساس تعداد تیره ها یا بنکو ها مثل دو قوزلو که از 9 تیره کوچکتر تشکیل شده.

3) بر اساس حرفه و کار مثل عاشق لر که در موسیقی و آهنگر که در حرفه خود استاد بودند.

4) بر اساس اصل و نسب مثل : داود لو که از فرزندان داود و جهانگیر لو که از اولاد جهانگیر .

5) بر اساس وابستگی به شخص بخصوص مثل : بهرام کیخالو وابسته به بهرام و همت علی کیخالو ، وابسته به همت علی .

6) بر اساس منشاء قومی مثل : لک ، بازمانده ای از لکهای غرب ایران و لر از جانشین لرهای اولیه .

7) بر اساس تکیه بر محل جغرافیایی مثل: موصلو از موصل عراق

8) بر اساس اولین مرکز تمرکز مثل : دره شوری ها در دره شور یا چگینی ها در چگین پیشگوه لرستان .

9) بر اساس نام سران یا پادشاهان که از طوایف مزبور بودند ، مثل ندر لو وابسته به نادر شاه و فجر لو از قاجارها .(22)

برخی عادت‌ها و آداب و رسوم:

قشقائیه‌ها مردمانی سرخوش و دلشادند. به جشن، پا کوبی و رقص بسیار علاقه‌مندند و از اندوه و سوگواری گریزان. در تمام سال تنها در ده روز آغاز محرم سوگواری می‌کنند. در جشن‌ها و عروسیها رقص چوبی(گروهی) زنان و مردان قشقائی بسیار زیبا و جالب است. در این جشن‌ها زنان و مردان هر یک دو دستمال در دست می‌گیرند و پیرامون یک دایره بزرگ می‌ایستند و با آهنگ کرنا و دهل دستمالها را تکان می‌دهند و با حرکات موزون پیش می‌روند در رقص «درمرو» یا چوب بازی نیز، مردان دوتا دوتا و به نوبت با چوبهای کوتاه و بلندی که در دست دارند به آهنگ ساز و دهل با یکدیگر می‌رقصد مبارزه می‌کنند. از این رقصها در مراسم عروسی قشقائیه‌ها به تفصیل سخن خواهیم گفت.

قشقائیه‌ها به نوشیدن چای علاقه بسیاری دارند و فرزندان خود را از کودکی به نوشیدن آن عادت می‌دهند. چای از خوراکیهای عمومی قشقائی است. قشقائیه‌ها به کشیدن قلیان بسیار علاقه‌مندند تنها مردان طایفه دره شوریه به جای قلیان از چپق استفاده می‌کنند.

مردم ایل فرمان‌گزار و مطیع دستور خانها هستند و هیچ قانونی را بالاتر از فرمان خان خود نمی‌دانند. هر گاه یکی از خانها یا کلانترها بمیرد غوغای عجیبی در ایل و طایفه او برپا می‌شود. قشقائیه‌ها در مرگ عزیزان و فرزندان خود کمتر از مرگ خان یا کلانتر خود متأثر می‌شوند. گورستانهای قشقائی در سر راه کوچ ایل فرار گرفته تا هنگام کوچ بتوانند برای مردگان خود فاتحه ای بخوانند.

به سبب علاقه ای که به خانهای خود دارند برای آنها آرامگاههای باشکوه و استوار می‌سازند که سالیان دراز پابرجا می‌ماند و هر سال هنگام کوچ قبر آنها را زیارت می‌نمایند.

آرامگاه عده ای از سران ایل قشقائی بویژه خانهای طایفه کشکولی در دامنه با صفای شاهدای اردکان با سنگ و شیروانی به سبک مزار حافظ ساخته شده و نظر بیننده را به خود جلب می‌کند.

بیشتر قشقائیه‌ها مردمانی بلند قامت و خوش صورت و دلاورند. چهره آنها گندم‌گون چشمانشان سیاه یا میثی و مویشان مشکی است. در میان طایفه فارسیمدان و دره شوریه گروهی سفید پوست با موی زرد یا بور نیز دیده می‌شوند. زنان قشقائی هرگز آرایش نمی‌کنند. تنها فرق زنان با دختران «چتر زلف» زنهایست. هنگام عروسی برای آرایش عروس این چتر زلف را درست می‌کنند. مردان قشقائی همیشه صورت خود را می‌تراشند و به سیل گذاشتن چندان گرایش ندارند.

تمام قشقائیه‌ها شیعه جعفری هستند و به آداب و رسوم خود علاقه‌مندند. شاید بیش از پنج درصد آنان نماز نخوانند. یا اصلاً نماز را ندانند ولی به عرف و عادات خود سخت معتقدند. زبان قشقائیه‌ها ترکی آمیخته به فارسی است و همه آنها فارسی را خوب می‌دانند و به آن و به آسانی سخن می‌گویند.(23)

سرزمینهای ییلاق و قشلاق در میان ایل قشقایی :

الف) سردسیر (ییلاق) (24)

قشقایها دارای دو منطقه سردسیری یا ییلاقی هستند یکی منطقه ای است که بین شیراز و دشت ارژن تا اطراف کازرون قرار گرفته است و دیگری در شمال شرقی شیراز این منطقه از اردکان فارس تا مرزهای کهگیلویه و از شمال آباد تا شهر رضا ادامه میابد و به سرحد بزرگ معروف است زیرا این منطقه از ارتفاعات حوالی فیروزکوه تا همسایگی بختیارها و ارتفاعات دنا را در بر میگیرد و طوایف مختلف قشقایی در آن پراکنده میشوند. (25)

ب) گرمسیر (قشلاق) (26)

گرمسیر یا قشلاق اولیه قشقایها در جنوب شرقی فارس بوده که از مناطق کم ارتفاع جلگه ای ویست لار ، جهرم ، فیروزآباد آغاز شده تا کرانه های خلیج فارس ادامه می یابد ، طوایف عمله ، شش بلوکی ، فارسی مدان ، کشکولی کوچک و چند طایفه وابسته در گرمسیر اولیه قشلاق مینمایند. ولی گرمسیر دره شورپها ، کشکولی بزرگ و شاخه های وابسته در مناطقی از کازرون تا نزدیکیهای بهبهان و حدود بندر گناوه ادامه میابد ، اکنون گرمسیر قشقایی ها به بیش از دو برابر گرمسیر اولیه آنها وسعت یافته است .
قشقایی ها که به قشلاق اولیه و قدیمی میروند به نام " ابه های فارس " و آنها که به مغرب و جنوب غربی کشور قشلاق میکنند به نام " ابه های بهبهان " معروفند. (27)

خانوارها و جمعیت ایل قشقایی و استانهای محل استقرار آنها: (28)

جمعیت			استان محل استقرار		
زن	مرد	مرد و زن	خانوار	ییلاقی	قشلاقی
54240	56735	110975	17449		
29375	30883	60258	9540	فارس	فارس
770	871	1641	256	کهگیلویه و بویر احمد	فارس
6172	6279	12451	2046	بوشهر	فارس
168	162	330	54	خوزستان	اصفهان
10205	10609	20814	3205	فارس	اصفهان
44	56	100	14	اصفهان	اصفهان
3108	3294	6402	962	بوشهر	اصفهان

424	463	887	130	فارس	چهارمحال و بختیاری
120	120	240	38	بوشهر	چهارمحال و بختیاری
1858	1999	3857	587	فارس	کهگیلویه و بویراحمد
19	23	42	5	کهگیلویه و بویراحمد	کهگیلویه و بویراحمد

برخی از پیشه های مردم:

قشقایبها در سرد سیر و گرم سیر به کشاورزی و باغداری می‌پردازند. محصولات آنها گندم، جو، برنج، حبوبات، سبزی، مرکبات و خرما است. کشاورزی بیشتر با اصول قدیمی و گاواهن انجام می‌گیرد. زنان در همه کارها با مردان همکاری می‌کنند. پس از برداشت محصول و پرداخت حق مالکانه، زنان بقیه محصول را در خورجین‌ها و جوالها ذخیره می‌کنند یا به فروش می‌رسانند. بعلاوه تمام کارهای خانه به عهده زن‌هاست. دختران و زنان ایل هر صبح از کوه و دشت هیزم سوخت خود را گرد آوری می‌کنند و پس از آن از رودخانه یا چشمه مشک‌های آب را پر می‌کنند و به پشت می‌گیرند و به چادر می‌آورند. سپس گندم و برنج را در هاون های چوبی به نام «دیوک» می‌کوبند و پوست آنها را می‌گیرند. هنگام کوبیدن، آهنگ ویژه ای را زیر لب زمزمه می‌کنند که آهنگ «برنج کوبی» نامیده می‌شود. پس از آن آرد را خمیر و چانه می‌کنند و از آن نان می‌پزند. نان را روی ساج‌های فلزی می‌پزند. نخست ساج را روی اجاق جلوی چادر گرم می‌کنند. و سپس چانه‌های خمیر را روی نان بند پهن می‌نمایند و روی ساج می‌اندازند تا پخته شود. تمام خوراکی‌های گوناگون دیگر نیز روی همین اجاق‌های جلوی چادر تهیه می‌شود.

زنان از شیر کره، ماست، کشک، قره قروت، سرشیر و جز آن تهیه می‌کنند. ماست را در مشک‌هایی (3) که به سه پایه چوبی متصل است می‌آویزند و آنقدر تکان می‌دهند تا کره و دوغ بدست آید. کار دیگر زنان بافت جاجیم، گلیم، گبه (4) قالی، خورجین، خوابگاه و جز آنست. زنان و دختران نخست پشم گوسفند را با دوک می‌ریسند و پس از آن که آنها را رنگ کردند به صورت کلاف برای بافت آماده می‌سازند. بافت با دارهای زمینی و با شانه فلزی که «کرکیت» نامیده می‌شود انجام می‌گیرد. در هر دستگاه بافت چند تن از زنان و دختران مدت یک یا دو ماه کار می‌کنند تا یک قطعه جاجیم یا گلیم زیبای قشقایب وجود آوردند. نخست کلافها را سراسر دار می‌کشند و از یک سو شروع به بافتن و طرح انداختن می‌کنند. دوخت پوشاک خانواده نیز به عهده زن‌هاست و زن‌ها باید این هنر را بدانند به همین جهت مادران وظیفه دارند که دوزندگی را مانند بافت جاجیم و گلیم و قالی به دختران خود بیاموزند. (29)

سرپرستی در ایل قشقایب:

در گذشته رهبری ایل و تصمیم‌گیری‌های ایل به عهده ایلخان بود ولی امروزه سرپرستی ایل به معنی قبلی رایج نیست و امروزه بزرگ یا ریش سفید انسجام ایل را به عهده دارد اما با نفوذی کمتر از ایلخان (30)

وظایف ایلخانان : سرپرستی و تشکل یکپارچه ایل ، رسیدگی به اوضاع سیاسی _ اجتماعی ایل ، انجام امور دولتی ایل ، تشکیلات لشکری و آمادگی رزمی ایل ، محاسبه مالیاتها و تحویل بموقع به مقامات مرکزی ، تعیین و انتخاب کلانتران طوایف ، رفع اختلافات بین طوایف بزرگ ایل ، تهیه ی کلیه برنامه های حرکت کلی ایل به عهده ایل خان است . (31)

عواملی که موجب قدرت ایلخان بوده :

1) ثروت و املاک خصوصی

2) اصالت خانوادگی

3) داشتن پایگاه مذهبی

جنگهایی که ایلخانان قشقایی در آن حضور داشته اند:

از جنگهایی که ایلخانان قشقایی در آن حضور داشته اند میتوان به موارد زیر میتوان اشاره کرد:

1) قشقایی ها و بختیارها در سال 1262 در زمان فتحلی شاه .

2) لشکر کشی قشقایی ها به هرات در سال 1274 ، که فرماندهی فوج قشقایی و دو فوج دیگر با ایلخانی وقت قشقایی بود .

3) جنگ محمد قلی خان ایلخانی با نظام الدوله والی فارس ، در سال 1262

4) حمله سهراب خان به منافع انگلیس مستقر در جنوب ایران در سال 1294

5) حمله صولت الدوله قشقایی و مبارزه پی گیر او علیه انگلیس غاصب در سال 1336 و نیز سالهای 1307 تا 1309

6) مبارزه با تجاوز انگلیس به جنوب ایران در زمان محمد قلی خان ایلخانی .

7) از جان گذشتگی تفنگچیان قشقایی در برابر توطئه ناجوانمردانه فرمانروای فارس بر ضد مرتضی قلی خان ایللیگی در سال 1249 که منجر به شکنجه و قتل ایللیگی در قلعه پرگان شد . (32)

چادر و ایل:

چادرهای ایل را که «بوهون» خوانده می شود، از موی بز و به رنگ سیاه می بافند. این چادرها به شکل مستطیل است و از چند بخش گوناگون: سقف، لتفهای اطراف چادر، تیرکها، چند قطعه «کمچ» یا «کمجه»، بندها، میخهای بلند چوبی، میخهای کوچک چوبی که به نام «شیش» خوانده میشود و لفاف یا «جیق» یا «نی چی» اطراف چادر تشکیل شده است. لتفها از جنس سقف و به رنگ سیاه بافته می شوند. پهنای لتف یک متر و درازای آن نامعین است و گاهی تا ده متر می رسد. لتفها با میخهای کوچک چوبی «شیش» به سقف متصل می گردند. تیرکها و کمچها نگهدارنده سقف چادرند. سر تیرکها در زیر سقف، در سوراخ کمچها قرار می گیرد. شکل چادر در تابستان و زمستان فرق می کند. در زمستان بیشتر تیرکها در میان و سراسر چادر قرار می گیرند و سقف را به شکل مخروط درمی آورند تا هنگام ریزش باران، آب از لبه سقف و به زمین بریزد. پیرامون چادر نیز جوی کوچکی حفر می کنند که آب باران در آن جاری می شود ولی در تابستان و بهار تیرکها را در اطراف چادر قرار میدهند تا سقف صاف و هموار باشد. در تابستان چادر تنها در بخشی که اسباب خانه و رختخوابها قرار می گیرد دیوار دارد. در زمستان و پایان پائیز سه طرف چادرها با لتف پوشیده می شود و تنها راه ورود و خروج، يك ضلع پهنای چادر است. «نی چی» یا «جیق» حصیری است از زنی که از درون، دورادور بخش پایین چادر گذاشته شود تا چادر، از دید خارج، باران و سرما محفوظ بماند. باید دانست که بیشتر لوازم زندگی و خواربار و رختخواب و پوشاک و وسایل دیگر را در جوالها و خورجینها و خوابگاهها یا چمدانها می گذارند و آنها را در امتداد درازای چادر منظم و مرتب روی هم می چینند و گاهی يك جاجیم بزرگ منگوله دار و زیبا بر روی سراسر آنها می کشند. (33)

پوشاك :

پوشاك زنان قشقائي بسيار زيبا و جالب توجه است و عبارت است از: چهار يا پنج دامن چين دار است كه تنبان با زير جامه ناميده مي شود. تنبانها را روي هم مي پوشند و هر کدام آنها از 12 تا 14 پارچه ساخته مي شود. تنبانهاي زيري از پارچه هاي ارزان مانند چيت گلدار و دامنهائي رويي از پارچه هاي بهتر مانند مخمل يا

زري و تور است و در پائين حاشيه يا تزئين دارد. پيراهن زنان تا ساق پا، يقه بسته و آستين بلند است و در دو طرف پائين چاك دارد كه روي دامنها قرار مي گيرد. اگر پيراهن از جنس ساده و گلدار نباشد پيش سينه را پولك دوزي مي كنند. روي پيراهن آرخالق كوتاهي با آستين سنبوسه اي مي پوشند كه از زري گلدار يا مخمل است. بر دو گوشه كلاخچه اي (كلاهچه يا كلاهكي) سه گوش از جنس آرخالق كش مي اندازند و پس از آنكه آن را سر گذاشتند كش را به زير مي آورند و موها را دور كش مي بچند. روي كلاخچه چارقد تور يا زري سه گوش بزرگي سر مي كنند و آن را با سنجاق مي محكم زير گلو مي بندند و روي آن را از قسمت جلوي سر و بالاي پيشاني دستمال كلاغي رنگي مي بندند. و كلاغي را از پشت سر گره مي زنند و قسمت زيادي آن را از پشت آويران مي كنند. پوشش پاي آنها كفش ساده يا گيوه ملكي است. جوراب نمي پوشند. زيور ديگر زنان گلوبند زرین يا اشرفي همراه با دانه هاي ميخك خوشبو و همچنين النگو و دست بند طلا است. (34)

لباس مردان عموماً كت و شلوار است ولي پوشاك ايلي آنها آرخالق آستر دار بلندي است كه تا مچ پا مي آيد و آستين بلند و گشاد و چاك دار دارد و ساده يا گلدار است. زير آرخالق پيراهني به رنگهاي گوناگون ساده يا راه راه با شلوار بلند آبي ساده يا راه راه مي پوشند. كفش آنها گيوه ملكي ساخت آباده يا شيراز، يا كفش ساده مردانه است. بر روي آرخالق (در قسمت كمر) شال پهن مي بندند و كلاه دو گوشي از جنس كرك شتر به سر مي گذارند. كلاه دو گوشي ويژه قشقائيهاست. پير و جوان، بزرگ و كوچك به اين كلاه علاقه خاصي دارند. «چقه» پوشاك ديگري است كه ويژه جنگ و شكار مردان قشقائي است چقه را از پارچه پشمي آستين دار سفيد رنگ و نازكي تهيه مي كنند. بلندي چقه تا زانوان و قسمت جلو آن مانند قبا چاك دار است. در پشت چقه بند رنگيني قرار دارد كه «زنهاره» ناميده مي شود و دو سر آن منگوله زيبايي دارد. زنهاره روي شانه ها قرار دارد و دو سر آن از زير بغلها مي گذرد و در پشت به ميان زنهاره گره مي خورد. كار زنهاره جمع كردن و نگهداري آستينهاي چقه در روي بازوان است. (35)

بي نوشت:

- 1) نيك خلق ، علي اكبر - عسگري نوري : زمينه جامعه شناسي عشايير ايران، ص 97 (بنقل از: توصيف و تحليلي از ساختمان اقتصادي ، اجتماعي و فرهنگي ايل قشقايي)
- 2) فرهنگ مردم: "زندگي قشقائيها". دوره 1، ش 4 (بهمن 41)

- 3) صفی نژاد ، جواد : عشایر مرکزی ایران ، امیرکبیر ، چاپ دوم 1375
- 4) نامه نور: "ویژه نامه قشقایی ها " شماره 4 و 5 ص 57
- 5) از باورد تا ابیورد ، ص 377(بنقل از مجمع التواریخ)
- 6) پیمان ، حبیب ا...:توصیف و تحلیلی از ساختمان اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی ایل قشقایی ، ص 8 و 9
- 7) نیک خلق ، علی اکبر - عسگری نوری :زمینه جامعه شناسی عشایر ایران، ص 97(بنقل از فارسنامه ناصری)
- 8) همان ص 98
- 9) صفی نژاد ، جواد : عشایر مرکزی ایران ، امیرکبیر ، چاپ دوم 1375 ، ص 60(بنقل از فارسنامه ناصری قسمت دوم ص 367)
- 10) همان ص 60 و 61
- 11) ساکس کریستوفر ، فعالیت های جاسوسی واسموس یا لارنس آلمانی ، ص 63 نیز: عشایر مرکزی ایران ص 61
- 12) صفی نژاد ، جواد : عشایر مرکزی ایران ، امیرکبیر ، چاپ دوم 1375 ، ص 61 و 62(بنقل از :فارس و جنگ بین الملل)
- 13) یاداشتهای روزانه شهبازی عبد... در www.shahbazi.org
- 14) پیمان ، حبیب ا...:توصیف و تحلیلی از ساختمان اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی ایل قشقایی ، ص 242
- 15) همان، ص 244-247
- 16) همان ، ص 247-251
- 17) همان ، ص 252-253
- 18) همان ، ص 254
- 19) همان ، ص 254
- 20) نیک خلق ، علی اکبر - عسگری نوری :زمینه جامعه شناسی عشایر ایران، ص 104
- 21) سازمان برنامه و بودجه استان فارس
- 22) کیانی ، منوچهر ، سیه چادر ها ، سیه چادر ها ، سعید نو 1371 ، ص 174
- 23) فرهنگ مردم: "زندگی قشقائیا". دوره 1، ش 4 (بهمن 41)
- 24) محلی که تابستانها در آن سکنی میگیرند
- 25) صفی نژاد ، جواد : عشایر مرکزی ایران ، امیرکبیر ، چاپ دوم 1375 ، ص 84
- 26) محلی که زمستانها در آن سکنی میگیرند
- 27) صفی نژاد ، جواد : عشایر مرکزی ایران ، امیرکبیر ، چاپ دوم 1375 ، ص 87
- 28) سرشماری اجتماعی _ اقتصادی عشایر کوچنده کشور سال 1377 ص 19 جدول الف
- 29) فرهنگ مردم: "زندگی قشقائیا". دوره 1، ش 4 (بهمن 41)
- 30) تحقیقات میدانی
- 31) کیانی ، منوچهر ، سیه چادر ها ، سیه چادر ها ، سعید نو 1371 ص 181
- 32) سیه چادر ها ص
- 33) فرهنگ مردم: "زندگی قشقائیا". دوره 1، ش 4 (بهمن 41)
- 34) همان
- 35) همان
- 36) عروس هنر : نگاهی به موسیقی ایل قشقایی_ شماره 25 صفحه 40 ، آذر 1382
- 37) نوازنده کمانچه و استاد نابینای موسیقی قشقایی
- 38) خواننده موسیقی قشقایی و محقق این موسیقی (خواننده فیلم گبه)
- 39) مصاحبه با حبیب ا... ، فرود

- 40) پیمان , حبیب ا...:توصیف و تحلیلی از ساختمان اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی ایل قشقایی ، ص5
- 41) فیلمی که به سفارش سازمان صنایع دستی به کارگردانی محسن مخیلباف ساخته شد
- 42) مصاحبه با افسانه جهانگیری
- 43) کیانی ، منوچهر ، سیه چادر ها ، سیه چادر ها ، سعید نو ص311